

## محرم رازدل شیدای خویش کس نمی بینم ز خاص و عام را

اسامی بسیاری از مدیران جهادی را می بینید که وزار تخانه از وجود آنها محروم شد تا در کسوت نماینده از روستا و شهر و مزرعه دور شوند و برخی از آنها پس از اتمام دوره یادشان رفت که تهرانی نیستند و متعلق به همان آب و خاکند.

برخی دیگر از مدیران جهادی توسط سایر وزار تخانه ها صید شدند و برخی در دوره هایی از دولت ها به مقام وزیری نفت و نیرو منتصب شدند. معاونین بسیاری از وزار تخانه ها نیز، از نیروهای مدیریتی موفق جهاد بودند که رفتند و پشت سرشان را نگاه نکردند و کمتر مدیر توانمندی، ماندگار وزار تخانه شد. به یک معنی می توان گفت: جهاد سازندگی به مرکز آموزش مدیران مهاجر تبدیل شده بود.

چرا؟

راستی چرا وزار تخانه توان نگهداری و حفظ فرزندان قهرمان شده خود را نداشت یا وزار ت جهاد جذابیت های خود را برای ماندگاری بچه ها از دست داده بود؟ توسعه بیش از پیش جهاد، مثلاً توسعه دادن جهاد نصر و قطعه قطعه شدن وزار ت کشاورزی و فتح خاکریزهای دیگر، (شبيلات، امور دام و ...) و حتی بحث های دهه ۷۰ مجلس که وزار ت کشاورزی باید در جهاد ادغام شود نیز موفق نشد مدیران جهادی را ماندگار وزار تخانه کند.

دهه ی پیش که قرار شد جهاد سازندگی و کشاورزی در هم ادغام شوند، آنان که مصادره به مطلوب می نمودند، کارشناسان این وزار تخانه را به جان هم می انداختند و اتاق های وزار تخانه صحنه نبرد شده بود برای ختم غائله، وزیری جهادی بر وزار ت ادغام شده حکم راند و انصافاً عملکردی مورد تایید کشاورزی چی ها و جهادی ها داشت.

در مجموع انتظار این بود که با توجه به توصیه مقام معظم رهبری در خصوص توسعه و تسری روحیه جهادی در همه امور، روحیه جهادی تحرک بیشتری به توسعه بخش کشاورزی بدهد و برنامه های توسعه کشاورزی باید نگاه به ارتقاء بهره روری در کشاورزی داشته باشد. روحیه جهادی طلب می کند جهادگر برنامه هایی نداشته باشد.

اینجاست که در می یابیم جهادی که روزی با ارزش ها برای رفع محرومیت تلاش می نمود حالا دیگر نه قامت محرومیت زدایی یافته نه قامت توسعه کشاورزی.

آن روزها جهاد بودجه و پول می گرفت تا بین محرومان توزیع یا برای آنان هزینه کند. امروز اما، جهادی باید در کنار کارشناس کشاورزی به توسعه پایدار بپردازد تا کشاورزی تجاری و اقتصادی شود و ارزش افزوده حاصله، موجب نابودی فقر در روستا گردد.

یادمان باشد ظرفیت های منابع انسانی انقلاب آن چنان است که روحیه جهادی را در همه اقشار معتقد به انقلاب تسری بخشیده است و جهادی بودن فقط یک سابقه خدمتی نیست بلکه یک اعتقاد راسخ به توسعه کشور و آرمان های انقلاب در همه سطوح است.

پس برای رسیدن به این هدف قاعدتاً باید مدیرانی از بدنه بخش، مسئولیت مدیریت در سطوح عالی را به عهده گیرند اما یا مدیری برای پذیرفتن مسئولیت نمانده یا اینکه توصیه ها و نگاه های آمرانه راه را بر رشد مدیران با سابقه و کاردان بسته است.

پرونده ۳۰ ساله سیستم های ادارات و سازمان های دولتی را که ورق بزیند مشاهده می کنید نهادها و واحدهای زیادی پا گرفته و بعدها در هم ادغام شده اند (مثلاً کمیته ها در شهربانی و ژاندارمری در نیروی انتظامی، و ...) انتقال پاره هایی از وزار ت کشاورزی به مرور ایام، به جهاد سازندگی و سپس ادغام این دو وزار تخانه در هم.

بررسی پرونده ۳۰ ساله کشاورزی و جهاد بهانه این یادداشت را فراهم آورده است.

روزی که فرمان جهاد سازندگی توسط رهبر انقلاب صادر شد وزار ت کشاورزی تولید برنامه ریزی و تولید محصولات کشاورزی؛ اعم از زراعت، باغبانی، دامپروری، شبيلات و آبیان را عهده دار بود.

بچه های جهادی - با هدف محرومیت زدایی - رسیدگی به امور عمرانی مناطق محروم و روستاهای دور افتاده را جزء وظایف خود دانسته و در امر ساخت جاده های روستایی، آب و برق روستایی و مسائلی از این قبیل فعال شدند، بگذریم از اینکه احداث جاده و هموار شدن راه بین شهر و روستا در اثر عدم تدبیر و مدیریت برای ماندگاری روستایی، از جمله اشتغال، بهداشت و درمان، تسهیل در امر تولید، آموزش برای کاهش هزینه های تمام شده، صرف کردن کشاورزی برای کشاورزی و ... موجب شد تا جوانان روستایی به مرور و به امید روزی بهتر از دیروز، روانه شهرها شده و کم کم حاشیه شهرها و کارخانه ها به مهمان پذیر روستاییان تبدیل شود. اما جهادگران با هدف والای کاستن فاصله بین فقیر و غنی همچنان تلاش می کردند و کسانی از بین آنها فرصت شکوفایی و بروز استعداد های خود را می یافتند.

تپیدن های دل هاله ناله شد آهسته آهسته

جنگ تحمیلی عراق، علیه تمامیت ایران و هویت این مرز بوم، تعریف تازه ای از جهادگران و سنگرزبان بی سنگر به دست داد. جهادی ها از کار گر ساده تا دکتر و مهندس برای نجات میهن و بیرون راندن دشمن شتافتند، عملیات مهندسی - رزمی از آنها مردانی پولادین ساخت و پس از جنگ، وزار ت جهاد سازندگی همه ی تجارب امور عمرانی و مهندسی رزم را در یک مجموعه وزار تی و بورکراسی اداری گرد هم آورد تا تشکیلات و تشریفات و امور اداری و ارتقاء شغلی و اضافه کاری و حق ماموریت و بورسیه های تحصیلی خارج و سهمیه های دانشگاهی داخل با بدنه بچه های جهاد نیز آشنا شود.

با این همه، معتقدین به جهاد و جهاد سازندگی و وزار ت جهاد که به مرور بخشی از فعالیت های وزار ت کشاورزی را نیز در اختیار گرفته بود موجب شکل گرفتن فعالیت های کارشناسی و رشد آن دسته از مدیران جهادی شد که علم و عمل و تدبیر را با هم در آمیخته بودند؛ درختان تنومند مدیریتی در جهاد بزرگتر شد، شکوفه داد، به بار نشست و مدیر سازی جهاد در همه جا چشمگیر بود.

اما سؤال این بود که جهاد روحیه است یا افراد بر آن مدیریت می کنند؟ جهاد مدیر ساز است یا مدیران جهاد را ساخته اند؟

چراغی که به خانه روانست

اما ساختار وزار ت شده جهاد سازندگی تاب تحمل یا نگهداری و یا پذیرش مدیران جدی جهادی را نداشت و مدیران اصلح جهادی از وزار تخانه پر کشیدند. در آرشینو نمایندگان ادوار مجلس دقیق شوید؛